

خبر

اعلام رقم وزمان پرداخت «عیدی» بازنشستگان کشوری

● **ایسنا:** حسین بخشی‌زاده، مدیرکل مالی صندوق بازنشستگی کشوری، گفت: در آخرین جلسه هیئت وزیران، درباره میزان عیدی کارکنان و بازنشستگان دولت تصمیم‌گیری شده که بر اساس آن، میزان پرداخت پاداش آخر سال ۱۳۹۶ را عیدی بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری هشت‌میلیون و ۴۷۵ هزار ریال (۸۴۷ هزار و ۵۰۰ تومان) تعیین شده است. او تاکید کرد: قرار است عیدی بازنشستگان تحت پوشش، همراه با حقوق بهمن به حساب بازنشستگان تحت پوشش واریز شود؛ بنابراین هر زمان حقوق بهمن پرداخت شد، عیدی بازنشستگان نیز پرداخت می‌شود. در نشست هیئت وزیران به ریاست روحانی، که ۱۵ مهر برگزار شد، میزان پرداخت پاداش آخر سال (عیدی) بازنشستگان، مستمری بگیران، حقوق وظیفه ازکارافتادگی، حقوق وظیفه وراث مستخدمین متوفای شمول صندوق‌های بازنشستگی و صندوق معذوریت و ازکارافتادگی جسد کشاورزی، صندوق‌های بازنشستگی نیروهای مسلح و نیروی انتظامی و... مبلغ هشت‌میلیون و ۴۷۵ هزار ریال تعیین شد که از محل بودجه مصوب صندوق‌های بازنشستگی یا دستگاه اجرایی این‌ریز قابل پرداخت خواهد بود.

ادامه از صفحه ۱۲

عروسک‌های سلبریتی جایگزین مجسمه‌های شهری

نواقص در مدیریت شهری به‌جای خود باید نقد و بررسی شود. اما ظاهر این شهر نشان می‌دهد که هنرمندان بیشتر از اینکه اثرگذار باشند، متاثر بوده‌اند. نگاهی گذرا به درون لایه‌های مختلف هنر حرکت معکوس جریانات فرهنگی را بیشتر به رخ می‌کشد؛ نقطه اوج آن رفتارهای سلبریتی است. یک بازیگر یک‌باره از سینما پرت می‌شود روی صحنه تئاتر؛ آن‌هم به‌عنوان شخصیت اول یکی از مهم‌ترین نمایش‌نامه‌های تاریخ جهان. دیگری عکاسی می‌کند و نمایشگاه پر حاشیه برپا می‌کند. آن یکی نقاشی‌هایش رونق گالری می‌شود و بازدیدکنندگانی که برای دیدن نقاشی نیامده‌اند بلکه برای عکس‌گرفتن با یک بازیگر معروف جمع شده‌اند؛ گشردی که در بعضی رستوران‌ها هم به کار می‌رود. نمونه‌های زیادی در دنیا هنر هستند که در چند رشته هنری صاحب نبوغ‌اند یا برای ارائه اندیشه و ایده خود از رسانه‌های مختلف بهره می‌گیرند. اما چرا این روزها نمونه‌های این نواع از میان سلبریتی‌های بازیگران فیلم‌های سرگرمی و تلویزیونی یک‌راست سر از هنرهای تجسمی درمی‌آورند. چقدر خوب است که کسی با تجربه سینما وارد عرصه‌های دیگر هنر شود. اما آیا چیزی به آن اضافه می‌کند یا خودش را به آن تحمیل می‌کند؟ یا چیزی به شخصیت او تحمیل می‌شود؟ منصف باشیم. معامله به همین سادگی است: سرمایه سلبریتی در قبال خودنمایی در هنر فاخر، طرف دیگر این معامله هنرمندان را فعالان حوزه‌های هنرهای تجسمی هستند که برای رونق‌دادن به فضای هنری و احیاناً گردش سرمایه، عرصه را به عرضه جریانات عامیانه می‌بازند. چنین است که رویکرد، رویه را عوض می‌کند تاچایی‌که گالری هنرهای تجسمی برای معرفی آثار و تشویق مردم به بازدید، از همان ترفندهایی بهره می‌گیرد که برای تبلیغ شامپو و جیبس استفاده می‌شود. حرکت سرپایینی آن‌قدر ادامه‌دار می‌شود که برنامه افتتاحیه یا به قول خودشان «یوننت» یک نمایشگاه، با رقص نور و دل‌ربایی‌های ففسری و نوشیدنی انرژی‌زا شکل و شمایل باشگاه خوشگذرانی پیدا می‌کند. هنرمندان این جمع هم بازیگران نمایش حسرت‌های درجه آخر جامعه امروز ایران‌اند. چیزهایی در آن نمایشگاه هست که یادآور آن جای دیگر است و نه مکانی برای اندیشه‌ورزی و تأمل در بازآفرینی تجسم یک هنرمند. در شرایطی که نمایشگاه هنر تجسمی منات و شخصیت متکی به خود را ندارد. وقتی طراحان گرافیک به‌جای حضور اجتماعی به میزوداری مقتخرند و در پستو همواره در حال تمجید و بزرگداشت یکدیگر، تبلیغات شهری نقش مزاحمی سمج را بازی می‌کند. سواد بصری در حدی در جامعه نزول می‌کند و کار به جایی می‌رسد که نورپردازی بانک شهر در میدان فردوسی آتچنان می‌شود که برای یک مسافر فرنگی یادآور مکان بی‌ربطی است که در ایران وجود ندارد. بازیگر پرآوازه، نقاش و نویسنده تفاوتی ندارد؛ هنرمندی که به موقعیت خودش احترام نمی‌گذارد، خواسته یا ناخواسته [به تشویق برنامه‌ریزان زحمتکش] مخاطبانش را در حد لازم محترم نمی‌داند، صدای طبلش بلند است. اما حرف تازه‌ای جز باتاب همههم مردم ندارد. به همین دلیل است که از یک عرصه وارد عرصه دیگر می‌شود که به‌درستی آن را نمی‌شناسد. صاحب تریبون می‌شود، اما به موضوع اشراف ندارد. وقتی حضور به پشتوانه شهرت کار ساده‌ای است. نواضع از این هم بدتر می‌شود. از دایره سینما و هنر خارج می‌شوند و بعد از هر اتفاق ساده‌ای به ناگاه موضع‌گیری می‌کنند و بدون اطلاع از جزئیات ماجرا و درک عواقب آن، گوی سبقت از یکدیگر می‌ریانند و بیانهی حمایت صادر می‌کنند. به راستی بعضی عروسک‌های حاشیه اتوپان‌ها نمادهای روشنی هستند از سلبریتی‌های امروز ما که از ترس فراموش‌شدن، مسئولیت حضور و خودنمایی در هر عرصه‌ای را به جان می‌پذیرفته‌اند.

جامعه

حذف آزمون ورودی دوره متوسطه اول سمپاد، اعتراض دانش‌آموزان را به دنبال داشت

اضطراب امتحان؛ دلیل حذف آزمون سمپاد



ما برای ورود به دو مرحله راهنمایی و دبیرستان در سیستم آموزشی سابق و حالا هم دوره متوسطه اول و دوم از بچه‌ها آزمون می‌گیریم و بچه‌ها از بدو ورود به مدرسه با اضطراب مواجه می‌شدند و کلاس برایشان برگزار می‌کردیم و جمعه‌ها و روزهای تعطیل و بعدازظهرشان را پر از کلاس آمادگی برای ورود به سمپاد می‌کردیم؛ یعنی شما به هر مدرسه‌ای سر بزنید، به‌ویژه مدارس ناحیه غیرانتفاعی، می‌بینید که می‌خواهند بچه‌هایشان را آماده کنند تا این بچه‌ها تیزهوش و نخبه بشوند و در این آزمون قبول شوند».

سعیدی در ادامه افزود: «این نوع غربالگری برای رفتن بچه‌ها به تیزهوشان را من به‌عنوان یک معلم اصلا قبول ندارم که بخواهیم چندین سال بچه‌ها را درگیر تست و کلاس و آزمون کنیم تا از پس یک امتحان دو ساعته بریایند و با این سیستم غلط غربالگری به آنها بگویم شما نخبه هستید. اصلا این نوع شناسایی تیزهوش و آموزش تیزهوشان نیست. ما باید نوع حمایت از تیزهوشان و نخبگان را عوض کنیم. شما یک اضطراب را از بدو ورود به مدرسه به دانش‌آموز می‌دهید و خانواده‌اش را هم درگیر می‌کنید و از همه مهم‌تر هزینه‌هایی است که خانواده‌ها برای این قضیه پرداخت می‌کنند. شما اگر بخشنامه‌های آموزش‌وپرورش را مطالعه کنید، در هر منطقه و ناحیه چند مدرسه سمپاد وجود دارد. تا الان فقط مراکز استان‌ها مدارس تیزهوشان داشتند و معلمان و تجهیزات و تمهیدات را برای آموزش تیزهوشان آماده می‌کردند. ولی الان اصلا چنین سیستمی نیست. شما فکر نکنید که حالا هم مدارس تیزهوشان کار خاصی می‌کنند؛ فقط این بچه‌ها یک‌سری محفوظات بیشتر دارند. من فکر می‌کنم تأثیر منفی این آزمون‌ها روی بچه‌ها و این نوع انتخاب نخبه و تیزهوش انتخاب صحیحی نیست؛ اینکه یک بچه شش سال تمام هزینه بدهد، جمعه‌هایش را از بین ببرد که در آزمون مدرسه سمپاد قبول شود». این نماینده مجلس تاکید کرد: «نوجوان ما تحت این ظلم آشکار تمام دوران خوب نوجوانی را از دست می‌دهد، چرا؟ چون باید آماده یک آزمون شود. با استرس و اضطراب روزهای خوب زندگی او را می‌گیریم تا در نهایت بگویم نخبه هستی یا نه! مورد دیگر در اساسنامه مدارس نمونه‌دولتی است».

ما در اساسنامه این مدارس حمایت از بخش کمتربرخوردار و دانش‌آموزان با استعداد مناطق ضعیف، یعنی آنهایی که نیاز به حمایت داشتند را داریم. مثلا بچه‌های مناطق کم‌برخوردار و محروم که برای ادامه تحصیل باید به‌جای دیگری می‌رفتند و نیاز به مدارس دولتی داشتند. در اساسنامه مدارس نمونه‌دولتی، هر دانش‌آموزی برای خود یک بودجه دارد که شامل تغذیه، خوابگاه و حمایت آموزشی می‌شود، نه اینکه شما در قلب تهران و در مناطق شمالی تهران هم مدارس نمونه‌دولتی داشته باشید. من اصلا قصه این مدارس را نمی‌فهمم و آنها هیچ تفاوتی با مدارس عادی ندارند؛ فرقاشان با مدارس عادی یک آزمون است و ولع قبول‌شدن در این آزمون تفاوت این ماجراست. من حتما از این موضوع حمایت می‌کنم و سال‌ها پیگیر این موضوع بودیم. متأسفانه آموزش‌وپرورش به سمتی می‌رود که حتی برای آموزش عادی هم دستش در جیب اولیا است. این قصه بماند که خانواده‌ها چقدر هزینه و اضطراب متحمل می‌شدند و من افسردگی را در چهره دانش‌آموزانم می‌دیدم. مطمئن باشید با این کار نشاط و شادایی به بخش عمده‌ای از دانش‌آموزان برمی‌گردد و آنها از اضطراب گذشته رها می‌شوند».

سعیدی در پایان خاطرنشان کرد: «این حرف وزیر آموزش‌وپرورش صحیح است که شادی و نشاط از میان بچه‌های ما جمع شده بود؛ بچه‌هایی که ولع قبولی در آزمون داشتند. شما تصور کنید که ما دوره ابتدایی را با این آزمون‌ها شروع می‌کردیم که بچه‌ها در آزمون تیزهوشان قبول شوند. در دوره راهنمایی هم همین بود، اینکه آن‌قدر بخوانند تا در مدارس نمونه‌دولتی یا تیزهوشان قبول شوند. وقتی دوره دبیرستان دوره دوم تمام می‌شود، همین دانش‌آموز را آماده می‌کنیم برای کنکور؛ کنکوری که تقریبا همه داوطلبان یک دانشگاهی قبول می‌شوند. من شنیدم که از این سیستم ناکارآمد بیشترین بهره را می‌برند. انواع و اقسام می‌خواهم آموزش را در مدارس یکسان کند و طوری نیروها و معلم‌ها را آموزش دهد که تفاوتی بین مدارس ما نباشد و اگر قرار است نخبه و تیزهوشی داشته باشیم، مطمئن باشید در مدارس معمولی و شهرهای دورافتاده هم داریم؛ همان‌طورکه نتایج کنکور ما نشان می‌دهد. مسئله دیگری که نباید از آن غفلت کرد، کاسبی و دکان‌بازکردن مؤسساتی است که از این سیستم ناکارآمد بیشترین بهره را می‌برند. انواع و اقسام کتاب‌های کمک‌آموزشی و کلاس‌های فوق العاده برای تست‌زنی و آماده‌شدن جهت این آزمون‌ها برقرار است. با لغو این آزمون‌ها می‌توان این دکان دوتیشی که به‌دلیل سیستم غلط به وجود آمده را تعطیل کرد. در این راه البته مقاومت‌هایی صورت خواهد پذیرفت که باید بی‌اعتنا به ویژه‌خواران و انحصارطلبان مسیر درست را رفت».

اما صدرا سلطانی، معاون آموزشی مدارس علامه حلی (سمپاد) نیز در این رابطه به «شرق» می‌گوید: چیزی که به ما اعلام کردند، این است که قرار است آزمون ورودی دوره اول برگزار نشود. البته دلایلی که ارائه می‌کنند، بحث استرس دانش‌آموزان و درگیری کلاس‌های تست‌زنی است و می‌گویند دانش‌آموزان عملا برای آزمون ورودی دوپینگ می‌کنند اما اگر آزمون ورودی برای دوره پایه هفتم نداشته باشند.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

سرطان در هوا

● **شرق:** در روزهای گذشته آلودگی هوا، این دیو سیاه، چنان توره کشید که شاخص آلودگی از ۲۰۰ عبور کرد و وضعیت به حالت بنفش درآمد. این در حالی است که به گفته سرپرست گروه «سلامت هوا» مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت، سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده «آلودگی هوا (مواجهه طولانی‌مدت با آن)، سرطان‌زای قطعی است. آلودگی هوا در طولانی‌مدت باعث افزایش ابتلا به بیماری‌های ریوی و COPD می‌شود و بار زیادی را نیز بر دوش دولت و وزارت بهداشت قرار می‌دهد».

وضعیت آلودگی هوا در روز اخیر

معاون مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، روز گذشته درباره شاخص آلودگی هوا گفت: «وضعیت آلودگی هوای تهران روز سه‌شنبه از شاخص ۲۰۰ عبور کرد و به وضعیت بنفش رسید؛ اما روز گذشته شاخص آلودگی هوا نسبت به سه‌شنبه اندکی بهتر شده و به بالای ۱۵۰ تا ۲۰۰ رسیده که این وضعیت شرایط قرمز را نشان می‌دهد و برای همه مردم ناسالم است. در چنین شرایطی، نه‌تنها کودکان، افراد بیمار، حساس و سالمند باید کمتر تردد کنند، بلکه تردد برای همه مردم از هوای آزاد و خیابان‌ها مضر و آسیب‌زاست. در به همین علت، وزارت بهداشت بر اساس دستورالعمل وزارت کشور و شورای هماهنگی ترافیک کشور، درخواست کرد ادارات دولتی با دو ساعت تأخیر شروع به فعالیت کنند که استانداری تهران قبول نکرد». محسن فرهادی ادامه داد: «توصیه وزارت بهداشت در وضعیت قرمز آلودگی هوا به مردم، این است که به‌جز موارد ضروری در خیابان تردد نکنند و اگر لازم است در خیابان و هوای آزاد تردد کنند، حتما از ماسک‌های تاییدشده از سوی وزارت بهداشت استفاده کنند. دو ماسک N95 و FFP2 درصورتی‌که از برندهای معتبر باشند، در شرایط آلودگی هوا البته به شرط اینکه پاره یا خراب نباشند، مؤثر هستند». او همچنین با بیان اینکه در شرایط قرمز آلودگی هوا، میزان حمله‌های قلبی و تنفسی افزایش می‌یابد و بار مراجعه این بیماران به مراکز درمانی و اورژانس بیشتر می‌شود، افزود: «هر سال حدود ۲۰ هزار مرگ در کشور که پنج هزار مورد آن در تهران است، به آلودگی هوا منتسب می‌شود که بخشی از این موارد در روزهای با آلودگی هوای بالای ۱۵۰ رخ می‌دهد.»



مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد



۳ دهه تلاش در عرصه خدمات رایگان توانمند سازی ، حرفه آموزی،توانبخشی اشتغال،کاربابی و تحصيلات دانشگاهی توان‌یابان به همراه جدیدترین متدهای پشتیبانی اشتغال و تحصيل

Supported Employment (SE)

Supported Education (SED)

کمک های مردمی ـ بانک سامان

۶۲۱۹۸۶۱۰۰۱۸۶۷۶۳۸

تهران، شهرک غرب، فاز دو، خیابان هرمرزان، خیابان پیروزان جنوبی ، پلاک ۷۴

۰۲۱ - ۸۸۰۸۲۲۶۶

www.raad-charity.org

info@raad-charity.org

/raadcharity

/raad_charity